

مقدمه

نگاهی به ادب معاصر ایران

مقدمه: کلیاتی درباره ادبیات معاصر

ادبیات معاصر ایران، از مشروطه (۱۲۸۵ش.) تا روزگار ما، با جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی دوران پیش از مشروطه پیوندی تنگاتنگ دارد و شناخت کامل آن مشروط به شناخت رخداد‌های پیش از نهضت مشروطه است. رخداد‌هایی که از روزگار فتحعلی‌شاه و ارتباط ایران با تمدن اروپایی تقویت یافت. در این زمان و به دنبال آمدن اروپاییان به دربار ایران، عباس‌میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه، نخستین گروه از دانشجویان ایرانی را به اروپا فرستاد و در آموزش و ترویج علوم و فنون و صنایع جدید اقداماتی کرد که از جمله آنها تأسیس چاپ‌خانه و انتشار روزنامه بود. اما آشنایی بیشتر مردم ایران با تمدن جدید، در دوره ناصرالدین‌شاه (حکومت: ۱۲۷۵-۱۲۹۶ش.) روی داد. تأسیس مدرسه دارالفنون به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر، وزیر باکفایت و کاردان ناصرالدین‌شاه، و دعوت از معلمان اروپایی برای تدریس در این مدرسه، انتشار روزنامه‌های مختلف و رواج ترجمه، به تدریج روشن‌فکران ایرانی را متوجه تفاوت جامعه ایرانی با جوامع اروپایی کرد؛ در نتیجه، برخی از روشن‌فکران اهل قلم مانند فتحعلی آخوندزاده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طایبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای و میرزا ملکم‌خان اندیشه‌های خود را با تألیف کتاب و نگارش مقاله در روزنامه‌های داخلی و خارجی منتشر کردند و زمینه را برای رواج تفکر جدید فراهم آوردند. در شعر نیز، با آغاز زمزمه‌های آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، انتقادات و اعتراض‌ها شدت یافت. روشن‌فکران با تنظیم بیانیه‌ای، بر ادبیات کلاسیک مدحی و درباری تاختند. قیام‌های مردمی در شهرهای مختلف آغاز و تقاضای «تأسیس

عدالت‌خانه» و «مجلس شورای ملی» و «حکومت مشروطه»، شعاری همگانی شد. سرانجام پس از درگیری‌های بسیار، تلاش آزادی‌خواهان به مشروطه انجامید و مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۴ش. فرمان مشروطه را صادر کرد؛ دوره‌ای که با نام «مشروطه» مشهور شد و تا سال ۱۳۰۴ش. - که آغاز سلطنت رضاشاه پهلوی است - ادامه یافت.

با آغاز دوران مشروطه که نویسندگان و شاعران شاهد آزادی بیان و قلم بودند، زبان ادبی متحوّل و دگرگون شد و روش نوشتن و سرودن تغییر یافت. نگارش نثر، ساده و بی‌پیرایه شد و انواع جدید ادبی مانند ادبیات داستانی، نمایش‌نامه و مقاله‌نویسی و تحقیقات ادبی و علمی و تاریخی با شیوه‌ها و اندیشه‌های نو در دستور کار نویسندگان قرار گرفت؛ زبان نویسندگی به زبان محاوره نزدیک شد و به جای انشای دشوار و مسجع قدیم، ساده‌نویسی رواج یافت. شعر هم از قیدوبند دربار و مضامین مدحی رها و زبان شعر به زبان مردم عادی نزدیک شد و مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی موضوع اصلی آن گردید. البته تحول مضامین شعری در برانگیختن روحیه مردم و تهییج آنها برای پیشرفت جنبش مشروطه سهم بسیار داشت. وطن‌دوستی، آزادی، قانون، عدالت خواهی، برابری حقوق زن و مرد، آزادی زنان، مبارزه با خرافات، بیزاری از استبداد و جبهه‌گیری ضد‌مذهبی از مضامین غالب در شعر این دوره است. کم‌کم واژگان اروپایی نیز به شعر راه یافت، و بهره‌گیری از صنایع ادبی از رونق افتاد.

در ادبیات مشروطه، تلاش و تکاپوی ملت برای رسیدن به حکومت قانون و از بین بردن استبداد مشهود است. آزادی به مفهوم اروپایی آن، از دیگر دستاوردهای ادبیات ایران در دوره مشروطه به‌شمار می‌رود.

ادب معاصر را که به صورت رسمی‌تر با مجموعه‌داستان یکی‌بود یکی‌نبود از جمال‌زاده و شعر «ققنوس» نیما یوشیج آغاز می‌شود به چند دوره تقسیم می‌کنند:

۱. دوره نخست (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰)، کمابیش به دوره «رضاشاهی» معروف است؛ دوره‌ای که در آن دانشگاه تهران تأسیس شد (۱۳۱۳) و پژوهش‌های ادبی، تاریخی و تصحیح متون، رونق بسیاری یافت.

با وجود تولد شعر «ققنوس» از نیما یوشیج و داستان یکی‌بود یکی‌نبود از جمال‌زاده، همچنان شعر و ادب کلاسیک پرقدرت می‌تاخت و ملک‌الشعرا بهار، پروین اعتصامی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و تنی چند از شاعران دیگر بدان رونق می‌بخشیدند.

حرکت داستان‌نویسی کمی سریع‌تر رخ داد. نخستین داستان‌های مدرن محمدعلی جمال‌زاده در سال ۱۳۰۰ نوشته شد. پس از او نویسندگان بزرگی مانند صادق هدایت و بزرگ‌علوی به داستان‌نویسی مدرن پرداختند. چاپ داستان بلند بوف کور اثر صادق هدایت در سال ۱۳۱۵ جهشی در داستان‌نویسی ایران بود.

۲. دوره دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، دوره نخست پادشاهی محمدرضا پهلوی که با آشوب‌های بزرگی چون جنگ جهانی اول و دوم همراه بود. تبعید رضاشاه، ورود ارتش متفقین، قحطی، تشکیل احزاب تندرو مانند حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان، و سرانجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از دیگر رویدادهای سیاسی و اجتماعی این دوره است. شعر و داستان این دوره به سوی مسائل سیاسی، انتقادی و اجتماعی گرایش داشت. احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث و دیگران شعر نیمایی را ادامه دادند. در حوزه ادبیات داستانی، افرادی چون صادق چوبک، ابراهیم گلستان و جلال آل‌احمد با گرایش به ادبیات روسی، انگلیسی و امریکایی داستان نوشتند.

۳. دوره سوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰)، دوره استبداد دوم؛ دوره‌ای که با دستگیری، توقیف، سانسور و اعدام بسیاری از روشنفکران همراه بود. ادبیات این دوره، به سمبولیسم و تمثیل‌گرایی گرایش یافت. این دوره را دوره «تثبیت شعر نو» نیز نامیده‌اند. بسیاری از شاعران شاهکارهای خود را در این دوره آفریدند؛ از جمله احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالث، نادر نادرپور، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، سیاوش کسرای، نصرت رحمانی، فریدون مشیری و محمود مشرف آزاد تهرانی. گرایش عمده شعر این دوره به شعر عاشقانه و عاطفی‌ست. رواج چهارپاره‌های پیوسته در این دوره به اوج خود رسید.

در داستان‌نویسی نیز دو گرایش رواج یافت: یکی، داستان‌های مبتذل و روزمره که نخست به شکل پاورقی مجله‌های زرد^۱ آن دوران با موضوعات عشقی، پلیسی و جاهلی نوشته شد و سپس در قالب رمان درآمد و گسترش یافت؛ دیگری، داستان‌نویسی هنرمندانه که با رمز و تمثیل درآمیخته بود. از مشهورترین نویسندگان این دوره تقی مدرسی، بهرام صادقی و آل احمد هستند.

۱. مجله‌های زرد مجله‌هایی بودند که در آنها داستان، به‌ویژه داستان‌های کارآگاهی و جنایی، چاپ می‌شد. این نشریات از آن رو که در انتشار آنها از کاغذ کاهی استفاده می‌شد، در ایران به مجله زرد، معروف شدند. این گونه نشریات در انگلستان به پالپ (به معنای کاغذ خمیری؛ pulp magazine) معروفند. اصطلاح نشریات یا مجلات زرد امروز به مجلات فاقد ارزش و اعتبار علمی و اجتماعی اطلاق می‌شود.

۴. دوره چهارم (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷)، «دوره رشد و شکوفایی ادبیات»^۱ است. همه شاخه‌های ادبیات در این دوره به‌خوبی رشد کردند؛ از شعر کلاسیک و نو - در بسیاری از شاخه‌ها - و داستان و نثر علمی و روزنامه‌ای. شاعران برجسته سنت‌گرای این دوره شهریار، رهی معیری، هوشنگ ابتهاج، پژمان، محمدرضا رحمانی یاراحمدی (مهرداد اوستا)، مهدی حمیدی و فریدون توللی بودند. شاعران نوپرداز این دوره با ساخت مکتب‌های گوناگون شعری، مانند: موج نو، شعر حجم، شعر سپید و شعر سورئال چشم‌اندازهای جریان‌های تازه‌ای را در شعر فارسی ایجاد کردند. شاعران دوره سوم ادب معاصر، در این دوره به پختگی سبکی خود رسیدند و شاعران نوپرداز دیگری با ایده‌های نو به گروه آنان پیوستند. در این دوره شاعرانی چون اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، احمد شاملو، محمدرضا شفیعی کدکنی، منوچهر آتشی، بدالله رویایی، اسماعیل خویی، طاهره صفارزاده، نصرت رحمانی، سهراب سپهری، حمید مصدق، بیژن نجدی، احمدرضا احمدی و محمدعلی سپانلو از دیگران برجسته‌ترند.

در این دوره، شعر و ترانه چریکی و خلقی نیز سروده شد. خسرو گل‌سرخ از نامداران این شیوه است.

غلامحسین ساعدی، سیمین دانشور، علی‌محمد افغانی، اسماعیل فصیح، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری نیز بهترین داستان‌های خود را در این دوره نوشتند. در این دوره نثر فصیح و شکوهمندی نیز پدیدار گشت که نویسندگان آن بیشتر استادان دانشگاهی مانند پرویز ناتل خانلری، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، غلامحسین یوسفی و عبدالحسین زرین‌کوب بودند.

۵. دوره پنجم (۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰)، دوران «ادب ارزشی» است؛ این دوره که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، شاهد رویدادهای مهم بسیاری است؛ از جمله: ترورها، تنش‌های حزبی و گروهی، انقلاب فرهنگی، تظاهرات مردمی، مهاجرت‌ها و نهایتاً جنگ تحمیلی هشت‌ساله. تولید شعر در سال‌های آغازین این دوره، کم‌وبیش شعارزده و سیاسی بود. شعر چریکی و خلقی نیز در آغاز این دوران همچنان به حیات خود ادامه می‌داد. در دوره جنگ تحمیلی نیز، تولیدات هنری و فرهنگی، بسیار اندک بود؛ اما شعر

۱. شفیعی کدکنی، در کتاب *ادوار شعر فارسی*، این دوره را به دو دوره تقسیم و نامگذاری کرده است:

۱- از حدود ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ (رویداد سیاهکل)؛ ۲- از سیاهکل تا سقوط سلطنت (۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷).

کلاسیک در این سال‌ها به مضامین و محتوای جدیدی دست پیدا کرد؛ در این دوره نوآوری در شعر نو به تدریج کم‌رنگ شد و جای خود را به غزل، رباعی و مثنوی به شیوه‌ای نو داد. بسیاری از شاعران این دوره با تغییرات اندک در قالب‌های شعر کلاسیک توانستند به سبکی نو دست یابند؛ سیمین بهبهانی، قیصر امین‌پور، حسین منزوی، سعید بیابانکی و محمدعلی بهمنی از جمله این شاعران هستند.

اما شعر انقلاب به سرعت رشد کرد. علی معلم‌دامغانی، مشفق کاشانی، فرشته ساری، مسعود احمدی، محمدرضا عبدالملکیان و حمید سبزواری از شاعران نامدار شعر انقلابند.

نزدیکی رویداد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، ذهن شاعران آن دوران را به موضوع دفاع مقدس سوق داد: آن‌چه سال‌ها - حتی پس از پایان جنگ - همچنان موضوع و مضمون شعری بسیاری از شاعران بوده و هست. از شاعران دفاع مقدس، می‌توان به علی موسوی گرمارودی، مهرداد اوستا، ساعد باقری، نصرالله مردانی، سیدحسن حسینی، یوسفعلی میرشکاک، سلمان هراتی، حسین اسرافیلی و صابر امامی اشاره کرد.

برخی از این شاعران، هم‌زمان با موضوع دفاع مقدس یا پس و پیش از آن، شعرهایی در موضوعات دیگر، از جمله عاشقانه‌ها و مسائل اجتماعی سروده و نام خود را در چند حوزه شعری ماندگار کرده‌اند.

بعضی از شاعران نیز همچنان نوپردازی در شعر را پی گرفتند: برخی نیمایی می‌سرودند، مانند اخوان ثالث؛ برخی شعر سپید می‌گفتند، مانند احمد شاملو و محمد شمس لنگرودی؛ و برخی هم به آفرینش سبک‌های نو پرداختند، مانند احمد رضا احمدی؛ و برخی حتی قالب‌های نوتری ارائه کردند، مانند: سیدعلی صالحی و علی باباجاهی.

داستان‌نویسی نیز در این دوره رنگ‌وبوی اجتماعی - سیاسی داشت. کانون نویسندگان پس از انقلاب بازگشایی شد، اما در همان سال‌های آغازین به اختلاف عقیدتی - سیاسی دچار گردید و سرانجام به انشعاب حزب توده انجامید. در سال‌های پیش از جنگ، رمان‌نویسی روند دوره پیش از انقلاب اسلامی را ادامه می‌داد، اما در دوره جنگ تحمیلی، داستان و رمان‌های کوتاه با مضامین شهادت، جنگ، جبهه، مذهب و اعتقادات دینی شکل گرفت. پس از جنگ، تا سال‌ها این ادبیات، ادبیات غالب بود و آثاری در حوزه ادبیات داستانی داشت؛ هنوز هم تعداد قابل توجهی با آن ادبیات زندگی می‌کنند و با همان زبان و ادبیات قلم می‌زنند. پس از جنگ تحمیلی، داستان‌نویسی مدرن مجدداً شکل و شمایلی یافت و رشد کرد. از داستان‌نویسان این دوره می‌توان به منیر و روانی‌پور،

غزاله علیزاده، علی موذنی، سید مهدی شجاعی، مصطفی‌مستور، محسن مخملباف، شهرنوش پارسی‌پور، رضا براهنی، اسماعیل فصیح و شهریار مندنی‌پور اشاره کرد.

۶. دوره ششم (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰) دوره «تجربه‌های گذرا» یا دوره «تکثر» یا دوره «پست‌مدرنیسم» است؛ هرچند به‌ظاهر ادبیات دهه هفتاد ایران، دنباله‌رو ادبیات دهه پنجاه و شصت به‌شمار می‌آید، اما در واقع دگرگونی‌های عمیقی در فرم و محتوا یافته است. این دهه همراه است با ترجمه تئوری‌های فلسفی و فرهنگی کشورهای به‌ویژه اروپایی و امریکای لاتین، و تکثر در نگاه‌ها، برداشت‌ها و تفسیرها از متون ترجمه شده. شاید بتوان آغازکننده این جریان ادبی را رضا براهنی با کتاب *خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیستم؟*^۱ (۱۳۷۴) دانست. کاری که این اثر و ترجمه‌های ادبی و فلسفی در دهه هفتاد انجام داد، سبب شد جریانی چندصدایی در ادبیات ایجاد شود. مدرنیته هم در این دوره به یک خودانتقادی ریشه‌ای دست زد. ترجمه آثار رولان بارت، به تئوری «مرگ مؤلف»^۲ انجامید و ادبیات پست‌مدرن را با بلوغی زودرس شکل داد؛ اندیشه‌های فلسفی لاکان، دولوز، لیوتار و دریدا به ادبیات راه یافت، و چندصدایی، چندمعنایی، زبان‌پریشی، ساخت‌شکنی و نوشتار زنانه در ادبیات این دوره تجربه شدند و گاه به افراط رسیدند و مخاطب عام خود را از دست دادند.

شعر آزاد (همه شاخه‌های نو) دهه هفتاد، اگرچه دنباله‌رو دهه پیش از خود است، ویژگی‌های خاص خود را نیز دارد. اندیشه غالب بر شعر این دوره یأس و نومیدی، معناستیزی و معناگریزی است. از دیگر ویژگی‌های شعر این دوره می‌توان به رها شدن از قیدوبند زبان ادبی و گرایش به زبان شفاف و صمیمی گفتار، جزئی‌نگری و نفی روایت‌های کلان و آرمان‌های بزرگ، نزدیک شدن زبان شعر به نثر، اطناب، پناه بردن به اندیشه فلسفی و شعر ترجمه، تکرار محتوای شعر خود یا دیگران، آشنایی‌زدایی دستوری برای دیرپاب کردن پیام شعر و تعلیق در معنا، تکثرگرایی در موضوع و محتوا، تقدس‌زدایی، فراملی یا جهانی بودن شعر، حضور تکنولوژی و واژگان مربوط به آن، و توجه به مشکلات و بحران‌های جهان معاصر اشاره کرد. از وجوه غالب شعر این دوره،

۱. خطاب به پروانه‌ها گزینۀ شعرهای براهنی از سال ۶۹ تا ۷۳ است. چرا من دیگر شاعر نیستم بحثی در شاعری‌ست که ضمیمه کتاب چاپ شده است.

۲. مرگ مؤلف (la mort de l'auteur) نظریه‌ای‌ست که رولان بارت در سال ۱۹۶۷ در مقاله‌ای با همین عنوان مطرح کرد.

شکل گرفتن جریان‌های شعر و مکتب‌های نوپای ادبی‌ست، از جمله: شعر گفتار، شعر حرکت و شعر دیداری^۱، که اغلب تقلید و ترجمه از پاره‌ای از شعرهای اروپایی‌ست. بیشتر این جریان‌ها - با وجود تولیدات نسبتاً فراوان - نتوانستند در مسیر طبیعی شعر معاصر فارسی پایدار بمانند و به جز چند جریان اصلی، مابقی به دهه هشتاد ادب فارسی راه نیافتند.

داستان‌نویسی این دهه نیز متأثر از ترجمه بود. به دلایل متعدد این دهه به شکافی میان داستان‌نویسی دهه شصت و هشتاد تبدیل شد. داستان‌نویسی سال‌های آغازین این دهه با آثار داستان‌نویسان دهه‌های پیش آغاز شد: *سال بلوا* (۱۳۷۱) از عباس معروفی؛ *گورستان غریبان* (۱۳۷۲) از ابراهیم یونسی؛ *فرار فروهر* (۱۳۷۲)؛ *باده کهن* (۱۳۷۳)؛ *اسیر زمان* (۱۳۷۳)؛ *ثریا در اغما* (۱۳۶۲) و *زمستان ۶۲* (۱۳۶۶) اثر اسماعیل فصیح؛ *رژه بر خاک پوک* (۱۳۷۲) اثر شمس لنگرودی؛ *یوزپلنگانی که با من دویدند* (۱۳۷۳) نوشته بیژن نجدی؛ *آزاده خانم و نویسنده‌اش* (۱۳۷۶) از رضا براهنی؛ *جزیره سرگردانی* (۱۳۷۲) و *از پرنده‌های مهاجر بیرس* (۱۳۷۶) نوشته سیمین دانشور؛ *اسفار کاتبان* (۱۳۷۹) نوشته ابوتراب خسروی؛ *هشتمین روز زمین* (۱۳۷۱)؛ *مومیا و غسل* (۱۳۷۵)؛ *ماه نیمروز* (۱۳۷۶)؛ *راز* (۱۳۷۶)؛ *شرق بنفشه* (۱۳۷۷)؛ *دل‌دادگی* (۱۳۷۸) از شهریار مندنی‌پور؛ *طعم گس خرمالو* (۱۳۷۶) از زویا پیرزاد؛ *تیلۀ آبی* (۱۳۷۷) محمدرضا صفدری؛ *هیس* (۱۳۷۸) نوشته محمدرضا کاتب؛ *نیمۀ غایب* (۱۳۷۸) حسین سنابور؛ *چهل سالگی* (۱۳۷۸) ناهید طباطبایی؛ *انگار گفته بودی لیلی* (۱۳۷۹) سپیده شاملو و برخی داستان‌های منیرو روانی‌پور آثار مطرح این دهه به‌شمار می‌روند.

۷. دوره هفتم (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰)، دوره «بسترسازی ادب دهه هفتاد» است. در این دوره، شعر و داستان در بستری آرام‌تر از دهه هفتاد راه خود را پیش گرفت؛ تئوری‌ها و مفاهیمی که در دهه هفتاد ارائه شده بود در این دهه درونی‌تر و عمیق‌تر و به مخاطب عام نزدیک‌تر شد. شعر این دوره - که به «موج چهارم» یا «جریان چهارم» هم معروف است - ویژگی‌هایی دارد. بعضی از آن ویژگی‌ها عبارتند از این‌که زبان شعر ساده‌تر و توجه به فرم کمتر می‌شود؛ فضای مجازی به آشتی مخاطب با اثر کمک نموده و نشر الکترونیک شعرها، نسل جدیدی از شاعران را تربیت می‌کند. شاعران این دوره، اغلب

۱. شعر دیداری یا خواندیداری، نوعی شعر - نقاشی‌ست که در آن، تلاقی اشکال و ظاهر حروف و کلمات نسبت به معنا اولویت می‌یابد.

به تجربه‌های شعری دوره‌های پیش توجه داشته و با شکل تعدیل‌شده این تجربه‌ها به خلق اثر پرداخته‌اند. شعر نامداران این دوره، صمیمی و به ذات زندگی انسان امروزی نزدیک‌تر و سرشار از واقعیت‌های ملموس است؛ مطلبی که در دهه پیشین، کمتر به چشم می‌خورد. بر شعر دهه هشتاد نقدهای جدی‌ای نیز وارد است: یکسان‌نویسی به سبب نبود جسارت نوآوری، دادوستدهای شاعرانه و نگاه سطحی به شعر. از شاعران این دوره‌اند: شمس آقاجانی، بهزاد زرین‌پور، علی باباچاهی، هرمز علی‌پور، علی عبدالرضایی، شمس لنگرودی، احمدرضا احمدی، رزا جمالی، سیدعلی صالحی، حافظ موسوی، بهزاد خواجهات، مسعود احمدی، غلامرضا پروسان، رضا بختیاری اصل، علی‌رضا راهب، روجا چمنکار، سارا محمدی ارده‌الی، مازیار نیستانی، گروس عبدالملکیان، سجاد گودرزی، عباس صفاری، رضا صارمی، مزدک پنجه‌ای، آرش شفافی، علی یاری، آرش نصرت‌الهی، ناهید عرجونی، علی‌رضا عباسی و محمد حسینی مقدم.

فضای داستان دهه هشتاد نیز همانند فضای شعر، مرحله جدیدی را تجربه کرد. شبکه‌های مجازی به توسعه و رشد داستان‌نویسی کمک کردند. همین فضا سبب شد داستان‌نویسان فارسی‌زبان سراسر جهان در فضای مجازی گرد هم آیند و روند خوانش و نقد آثار رشد کند. ترجمه‌های شتاب‌زده دهه هفتاد از آثار برجسته خارجی در این دهه مورد نقد و بررسی قرار گرفت؛ داستان‌های کوتاه با زبان ساده رواج و رونق یافت و برخی داستان‌نویسان به میراث ادب گذشته ایران روی آوردند. با این حال داستان‌های جدید و با حال‌وهوای روز هم از نظر نویسندگان دور نماند. تفاوت چشمگیری در ارکان داستان‌نویسی این دوره با دوره‌های پیشین دیده می‌شود، از جمله: نگاه نو به عناصر داستانی، فرم و تجربه‌های جدید و تأثیر عوامل بیرونی وابسته به کتاب، همچون: صنعت نشر و وضعیت بازبینی آثار تولیدشده. برخی نویسندگان دهه هشتاد، نامداران دهه هفتاد و پیش از آنند. در این دوره، شمار زنان داستان‌نویس فزونی گرفت. از ویژگی‌های دیگر داستان‌های این دوره - مانند دوره پیش - مدرن شدن ساختار روایت، نگاه انتقادی به تاریخ، ورود در تاریخ معاصر، برخورد یکسان و برابر با همه انسان‌ها، و نیز ادامه روند تأثیرپذیری از ترجمه است. داستان‌ها و داستان‌نویسان نامدار این دوره عبارتند از: ساریان سرگردان (۱۳۸۰) سیمین دانشور؛ چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (۱۳۸۰) زویا پیرزاد؛ خنکای سپیده دم سفر (۱۳۸۰) ناهید طباطبایی؛ پرنده من (۱۳۸۱) فریا وفی؛ عقرب روی پله‌های راه آهن اندیمشک، یا از این قطار خون می‌چکد قربان

(۱۳۸۵) حسین مرتضایان آبکنار؛ زندگی مطابق خواسته تو پیش می‌رود (۱۳۸۵) امیرحسین خورشیدفر؛ نازلی (۱۳۸۲) منیر و روانی‌پور؛ شهر بازی (۱۳۸۲) حمید یآوری؛ خانم نویسنده (۱۳۸۴) طاهره علوی؛ کافه پیانو (۱۳۸۶) فرهاد جعفری؛ عاشقیت در پاورقی (۱۳۸۶) مهسا محب‌علی؛ جمعه بیست‌و‌هشتم روی صندلی لهستانی (۱۳۸۶) غزال زرگر امینی؛ هولا... هولا (۱۳۸۰) و عشق روی چاکرای دوم (۱۳۸۷) ناتاشا امیری؛ چرخ‌دنده‌ها (۱۳۸۸) امیر احمد آریان؛ و زیر آفتاب خوش‌خیال عصر (۱۳۸۹) جیران گاهان.